

## دیدگاه مفسران و محدثان امامیه

### درباره ترتیب آیات و سوره‌های قرآن کریم

حامد شریفی نسب<sup>۱</sup>

سید محمود طیب حسینی<sup>۲</sup>

#### چکیده

از آنجاکه ترتیب کنونی تعداد قابل توجهی از آیات در قرآن کریم بر خلاف ترتیب نزول بوده و در برخی موارد، آیات مکی و مدنی در یک سوره در کنار هم قرار گرفته‌اند، که گاه تاریخ نزول آنها با یکدیگر سال‌ها فاصله دارد، پیگیری این بحث ضروری است که آیا ساختار کنونی ترتیب آیات به دستور پیامبر ﷺ و طبق نظر ایشان تحقق یافته است یا اینکه این ترتیب مستند به اجتهاد و سلیقه صحابه می‌باشد؛ چنان‌که این بحث در ترتیب بین سوره‌ها نیز قابل پیگیری است. با توجه به اینکه تاکنون دیدگاه علماء امامیه در این مسأله به صورت مستقل مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته، این پژوهش بدون در نظر گرفتن ادله مطرح در میان طرفداران هر یک از دو نظریه، با هدف تبیین دیدگاه مفسران و محدثان شیعی، تنها به بررسی دیدگاه علماء امامیه در این مسأله اهتمام داشته و به این نتیجه رسیده است که هرچند در این مسأله اتفاق نظر بر دیدگاه واحدی وجود ندارد، بسیاری از محدثان و مفسران امامیه، دیدگاه توقیفیت ترتیب آیات را نپذیرفته‌اند؛ علاوه بر آنکه در خصوص ترتیب سوره‌ها نیز دیدگاه قریب به اتفاق علماء امامیه اعتقاد به عدم توقیفیت آن است.

**کلید واژه‌ها:** ترتیب آیات، ترتیب سوره‌ها، مفسران امامیه

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول h.sharifinasab@ut.ac.ir).

۲. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

## درآمد

با توجه به اینکه بسیاری از سوره‌های قرآن کریم، به خصوص سوره‌های کوتاه، دارای نزول یکباره و دفعی بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که ترتیب آیات این سوره‌ها هنگام نزولشان معین بوده است؛ اما در بسیاری از سوره‌ها، به ویژه سوره‌های بلندی که آیات آن در چندین مرحله نازل شده ترتیب میان آیاتشان مطابق ترتیب نزول نیست؛ بلکه گاهی آیات مکی در سوره‌های مدنی و گاه آیات مدنی در سوره‌های مکی گنجانده شده‌اند.<sup>۱</sup> همچنین گاه تاریخ نزول آیاتی که در زمان‌های مشخصی مانند فتح مکه، صلح حدیبیه و جنگ‌ها نازل شده‌اند، سازگار با تاریخ نزول سایر آیات همان سوره نیست.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر مضامین و شواهد تاریخی و روایی در بسیاری از آیات، حاکی از آن است که آیات برخی از سوره‌ها یکباره نازل نشده و در هنگام چینی آن آیات در سوره‌ها نیز ترتیب نزولشان رعایت نشده است.

حال با توجه به این امر که چینی آیات قابل توجهی از سوره‌ها مطابق ترتیب نزولشان صورت نگرفته، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این جابه‌جایی در ترتیب نزول، به فرمان پیامبر ﷺ بوده است یا حاصل رأی و نظر صحابه است؟ به عبارت دیگر، آیا ترتیب امروزی آیات قرآن — که در مواردی بر خلاف ترتیب نزول به نظر می‌رسد — توفیقی است یا اجتهادی؟

همین سؤال درباره ترتیب چینی سوره‌ها در قرآن نیز مطرح است که با وجود عدم مطابقت ترتیب کنونی سوره‌ها با ترتیب نزول آنها، آیا این ترتیب به فرمان پیامبر ﷺ صورت گرفته و یا اینکه نتیجه اجتهاد صحابه است؟

## اهمیت موضوع

با توجه به اینکه کتب مرجع در علوم قرآن، نظیر البرهان و الاتقان و مناهل العرفان، نوشته عالمان اهل سنت هستند، به نظر می‌رسد که در برخی مسائل، آراء و گفتار ایشان بدون بررسی و تحقیق ویژه، به برخی از کتب علوم قرآنی شیعه نیز راه یافته است؛ به عنوان نمونه در بحث توفیقیت ترتیب آیات، همان گونه که زرکشی، سیوطی و زرقانی این بحث را اجماعی و بدون مخالف دانسته‌اند، برخی از نویسندگان کتب علوم قرآنی شیعه نیز این مسأله را مورد اتفاق یا اجماع خوانده‌اند. این در حالی است که بررسی

۱. زرکشی دو باب از نوع نهم کتابش را به بیان آیات مدنی در سوره‌های مکی، و آیات مکی در سوره‌های مدنی اختصاص داده و در ضمن آن تعداد ۱۲۰ آیه را از ۱۴ سوره استثناء کرده است (ن. ک: زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۷-۲۹۰). سیوطی نیز در یک فصل به صورت مفصل به بررسی آیات استثناء شده از سوره‌های مکی و مدنی پرداخته و با نقل استثناء بودن بیش از ۳۰۰ آیه از ۵۲ سوره، آنها را مورد ارزیابی قرار داده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۲-۸۱).

۲. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۶۶-۷۴؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۸۰؛ بابایی و دیگران، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲۹-۱۳۳.

تفصیلی دیدگاه مفسران و محدثان امامیہ نشان می‌دهد کہ نہ تنها چنین اتفاق نظری در میان عالمان امامیہ وجود ندارد، بلکہ دیدگاه بسیاری از علماء شیعہ، اعتقاد بہ عدم توقیفیت ترتیب آیات قرآن کریم است. بر این اساس، بررسی دیدگاه عالمان شیعہ بہ صورت مستقل، علاوہ بر آنکہ در تبیین مبانی نظری امامیہ در تفسیر قرآن مؤثر خواهد بود، از آن جهت کہ می‌تواند در گزینش دیدگاه خاص در این مسالہ نیز اثرگذار باشد، دارای اہمیت است.

### پیشینہ

ہر چند در برخی از روایات اہل بیت علیہم السلام، در اثبات یا نفی ترتیب آیات یا سورہہا، اشارات مختصری وارد شدہ و بہ دنبال آن عده‌ای از قدماء در این رابطہ اظهار نظر کردہ اند، طرح مفصل و مستدل این مباحث در حوزہ مباحث علوم قرآنی توسط زرکشی صورت گرفت کہ در کتاب البرہان فی متشابہ القرآن با اختصاص یک فصل، توقیفیت ترتیب آیات و سورہہا را با اشارہ بہ دیدگاه عالمان اہل سنت بررسی کرد (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۳-۳۵۹). پس از زرکشی نیز بسیاری از قرآن‌پژوہان شیعہ و اہل سنت، بہ بررسی این مباحث در کتب علوم قرآنی خود پرداختہ و در این خصوص اظهار نظر کردند.

در برخی از مقالات منتشر شدہ در سال‌های اخیر نیز ادلہ توقیفیت ترتیب آیات و یا سورہہا مورد نقد و بررسی قرار گرفتہ است (در اثبات توقیفیت ن.ک: حاجی امیری، ۱۳۸۸ش؛ در نفی توقیفیت ن.ک: فقہی زادہ، ۱۳۷۳ش؛ نکونام، ۱۳۷۸ش)؛ اما آنچه در اکثر مقالات و کتب علوم قرآنی شیعی بدان پرداختہ شدہ، توجہ بہ آراء علماء امامیہ در این مسالہ است؛ چراکہ معمولاً در این نگارش‌ها، تنها بہ نقد و بررسی ادلہ و مستندات ہر یک از دیدگاه‌ها اکتفا شدہ است. البتہ در میان معاصران برخی بہ صورت اجمالی بہ دیدگاه عالمان امامیہ تنها در خصوص ترتیب سورہہا اشارہ کردہ اند (ر.ک: ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۵-۱۸)؛ اما در این‌گونه آثار نیز عبارات علماء مستقیماً نقل شدہ است.

بر این اساس، از آنجاکہ از یک طرف دیدگاه عالمان امامیہ در خصوص ترتیب آیات مورد تحقیق و بررسی مستقل قرار نگرفتہ، و از طرف دیگر بررسی‌های مختصر انجام شدہ در تبیین دیدگاه آنان، گاہ متأثر از برداشت‌های ناصحیح از عبارات ایشان بودہ است، این پژوهش - بدون در نظر گرفتن ادلہ موجود میان ہر یک از دو طرف - بہ بررسی دیدگاه مفسران و محدثان امامیہ در ترتیب آیات و سورہہا می‌پردازد.

با توجہ بہ این امر کہ بحث توقیفیت ترتیب بہ طور کلی در سہ بخش اصلی قابل پیگیری است، مباحث این نوشتار بر این سہ محور تنظیم می‌گردد: ۱. ترتیب کلمات و جملات در آیات قرآن کریم ۲. ترتیب آیات در سورہہا ۳. ترتیب سورہہا در قرآن کریم.

## ۱. ترتیب کلمات و جملات در آیات

هرچند برخی از نویسندگان مدعی شده‌اند که تمام فرق اسلامی بر توفیقیت ترتیب کلمات و جملات در ضمن آیات اتفاق نظر دارند (ایازی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۲-۱۳؛ فقهی‌زاده، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۴)، بررسی دیدگاه علماء امامیه نشان‌دهنده نادرست بودن این ادعاست؛ چراکه تعداد قابل توجهی از محدثان و مفسران بزرگ امامیه با این دیدگاه مخالفت کرده‌اند. به‌هرحال، به‌طور کلی در میان علماء امامیه در این مسأله سه دیدگاه وجود دارد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

### ۱-۱. عدم توفیقیت ترتیب کلمات در آیات

از میان تفاسیر کهن امامیه، علی بن ابراهیم قمی در کتاب تفسیر منسوب به او<sup>۱</sup>، ترتیب کلمات موجود در چند آیه را با چینش متفاوتی بیان کرده است؛ چنان‌که در شرح آیه «أفمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتاب موسى إماما ورحمة أولئك يؤمنون به» (هود: ۱۷) روایتی نقل کرده مبنی بر اینکه «إماماً ورحمة» در این آیه، در تألیف مؤخر نگاشته شده است؛ درحالی‌که در تنزیل مقدم بوده است:

ابوبصیر و فضیل از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که ایشان فرمودند: همانا [آیه] این‌گونه نازل شد «أفمن كان على بينة من ربه»، یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله «و یتلوه شاهد منه — إماماً و رحمة — و من قبله کتاب موسی اولئک یؤمنون به». پس [آیه را] در تألیف، مقدم و مؤخر کرده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۲۴؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۳۲).

او همچنین ترتیب کلمات موجود در آیات دیگری چون «نحیی و نموت» (جاثیه: ۲۳) و «و اسجدی و ارکعی» (آل عمران: ۴۳) و برخی آیات دیگر را نیز نپذیرفته است (ن.ک: قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۹۴؛ ج ۱، ۱۰۲؛ ج ۲، ص ۳۰ و ...).

پس از علی بن ابراهیم قمی نیز عده‌ای از مفسران و محدثان نظیر فیض کاشانی (۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۵۱ و ۳۶؛ ج ۳، ص ۲۳۰؛ ج ۵، ص ۷)، سید هاشم بحرانی (۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۷۷) و علامه مجلسی

۱. در صحت استناد این تفسیر به علی بن ابراهیم قمی اختلاف نظر وجود دارد (ن.ک: شبیری زنجانی، ۱۳۸۲ ش، ج ۷، ص ۷۰۰-۷۰۳؛ بابایی، ۱۳۹۱ ش، ج ۳، ص ۱۵-۲۵).

۲. لازم به ذکر است که تشکیک در استناد نسخه موجود از کتاب تفسیر قمی به علی بن ابراهیم، به این مطلب ضرری نمی‌رساند؛ چراکه مرحوم استرآبادی که اصل کتاب تفسیر قمی را در دست داشته نیز این روایت را از کتاب وی نقل کرده است (ن.ک: استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۳۲). بنابراین تردیدی در اعتقاد علی بن ابراهیم قمی به عدم توفیقیت ترتیب کلمات در برخی آیات باقی نمی‌ماند.

(۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۳۷؛ ج ۱۴، ص ۲۰۰)، جابہ جایی در ترتیب کلمات این آیات را بدون طرح اشکال یا مناقشہ بر دیدگاہ قمی از وی نقل کردہ اند.

### ۲-۱. عدم توقیفیت ترتیب جملات مستقل در آیات

در مسألہ توقیفیت ترتیب جملات مستقل، و یا بہ تعبیر دیگر ترتیب فقرات در ہر آیہ، نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ چنان کہ سید نعمت اللہ جزائری از علماء اخباری در کتاب النور المبین در ضمن شرح داستان و آیات مربوط بہ حضرت موسی علیہ السلام بہ آیہ ای اشارہ می کند کہ قسمتی از آن در سورہ بقرہ قرار گرفتہ و ادامہ آن در سورہ مائدہ ثبت شدہ است و در توضیح این امر می نویسد:

ظاہراً منشأ این گونه تقطیع در یک آیہ، امری بودہ است کہ در مصحف عثمانی، کہ آن را «امام المصاحف» نامیدند، صورت گرفت و هیچ گونه ارتباطی با ترتیب قرآن ندارد؛ پس یک آیہ در دو سورہ تقطیع شدہ است (جزائری، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲).

علامہ مجلسی نیز در پاسخ بہ شبہہ اہل سنت دربارہ جایگاہ آیہ تطہیر، کہ بین خطابہای مکرر بہ ہمسران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم و در یک آیہ قرار گرفتہ، در توقیفی بودن جایگاہ آن تردید کردہ است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۲۳۴). طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در خصوص جایگاہ کنونی آیہ تطہیر و آیہ اکمال دین، کہ بخشی از آیہ دیگری قرار گرفتہ اند، اظہار تردید کردہ و جابہ جایی آنها توسط صحابہ را محتمل دانستہ است (۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۷؛ ج ۱۶، ص ۳۱۲). حتی برخی تصریح کردہ اند کہ نظر نہایی طباطبایی در این موضوع ہمین بودہ است (تہرانی، بی تا، ص ۲۸۷-۲۹۲).

توجہ بہ این نکتہ، شایان ذکر است کہ بسیاری از کسانی کہ بہ صورت کلی توقیفیت ترتیب آیات را انکار کردہ اند (مفید، ۱۴۱۳ق-الف، ص ۴۶؛ لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۶۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹؛ نوری، ۱۲۹۸ق، ص ۱۴۴؛ بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۸) بہ صورت مستقل و مجزا دربارہ ترتیب میان جملات آیات سخن نگفتہ اند؛ پس بعید نیست کہ در امثال آیہ تطہیر و اکمال، توقیفیت ترتیب در جملات را نیز نپذیرند.

### ۳-۱. توقیفیت ترتیب کلمات و جملات در آیات

محمدہادی معرفت در خصوص توقیفیت نظم کلمات قرآن کریم می نویسد:

شکی نیست کہ عامل تنظیم کلمات قرآن، جملہ سازی و ترکیب بندی آنها بہ صورت کلام بدیع، تنہا وحی آسمانی اعجازی است کہ مطلقاً دست هیچ بشری در آن دخالت نداشته است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۳).

باین حال، او نیز در توقیفی بودن جایگاه کنونی برخی از آیات تردید کرده و آیه اکمال دین را نیز در شمار این قبیل آیات ذکر آورده است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۸).  
از میان نویسندگان معاصر نیز عده‌ای به توقیفی بودن ترتیب کلمات و جملات در آیات تصریح کرده‌اند (میرمحمدی زرنندی، ۱۳۷۷ش، ص ۹۴؛ فقهی‌زاده، ۱۳۷۴ش، ص ۵۴؛ ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲-۱۳)؛ اما بسیاری از باورمندان به توقیفیت ترتیب آیات، هرچند در خصوص باور به توقیفیت ترتیب کلمات و جملات در آیات اظهار نظر صریحی نکرده‌اند، روشن است که اقتضای دیدگاه آنان در ترتیب آیات، باور به توقیفیت در ترتیب کلمات و جملات نیز خواهد بود.

## ۲. ترتیب آیات در سوره‌ها

بدون تردید بحث در خصوص ترتیب چینش آیات در سوره‌ها، محور اصلی مباحث بین موافقان و مخالفان توقیفیت قرار دارد که با بحث تاریخ تدوین قرآن نیز در ارتباط است. به هر حال، دیدگاه مفسران و محدثان امامیه در این زمینه به دو دسته تقسیم می‌شود:

### ۲-۱. عدم توقیفی بودن چینش آیات

در مقدمه کتاب تفسیر قمی دیدگاه علی بن ابراهیم قمی چنین گزارش شده است:

ابو الحسن علی بن ابراهیم هاشمی قمی می‌گوید: برخی از آیات قرآن ناسخ است و برخی منسوخ، برخی محکم و برخی متشابه، برخی عام و برخی خاص، و برخی مقدم شده و برخی مؤخر شده و ... و برخی آیات آن در یک سوره قرار دارد که ادامه‌اش در سوره دیگری قرار گرفته ... (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵).

در ادامه این عبارت نیز نمونه‌هایی برای هر یک از موارد طرح شده از ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و ... ذکر شده و سپس آیاتی که به عقیده ایشان بخشی از آن در سوره‌ای و بخش دیگر در سوره دیگری قرار گرفته بیان شده است (ن.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸-۹).

از توصیفی که شیخ مفید نسبت به ترتیب آیات در مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام بیان داشته است، عدم اعتقاد او به توقیفی بودن ترتیب کنونی آیات برداشت می‌شود:

وقد جمع أمير المؤمنين عليه السلام القرآن المنزل من أوله إلى آخره و ألفه بحسب ما وجب من تأليفه فقدم المكي على المدني و المنسوخ على الناسخ و وضع كل شيء منه في محله (مفيد، ۱۴۱۳ق-ب، ص ۷۹).

امیر المؤمنین علیه السلام قرآن را از ابتدا تا انتها جمع‌آوری کرد و آن را همان گونه که لازم بود تألیف شود گرد آورد؛ پس آیات مکی را بر مدنی، و آیات منسوخ را بر ناسخ مقدم ساخت و هر آیه‌ای را در جایگاه خودش قرار داد.

علاوه بر اینکه شیخ مفید در کتاب اوائل المقالات با طرح این بحث، عدم توقیفیت ترتیب آیات را محل اتفاق امامیه دانسته و نوشته است:

واتفقت الإمامية على وجوب رجعة كثير من الأموات إلى الدنيا قبل يوم القيامة ...  
واتفقوا على أن أئمة الضلال خالفوا في كثير من تأليف القرآن و عدلوا فيه عن موجب  
التنزيل و سنة النبي ﷺ (مفید، ۱۴۱۳ق-الف، ص ۴۶).

امامیه بر وجوب رجعت بسیاری از اموات به دنیا قبل از قیامت اتفاق نظر دارند ... و همچنین اتفاق نظر دارند بر اینکه سردمداران ضلالت در بخش زیادی از تألیف قرآن مرتکب خلاف شده‌اند و در این امر از ترتیب نزول و سنت پیامبر ﷺ منحرف شدند.

لازم به ذکر است که منظور از «تألیف القرآن» در اصطلاح علماء، به ویژه قدماء، خصوصاً «ترتیب و چینش قرآن» است، نه مطلقاً «تدوین قرآن» (که اعتقاد به دخل و تصرف در تألیف، ملازم با قول به تحریف باشد)؛ چنان‌که عبارت دیگر شیخ مفید در همین کتاب در بابی تحت عنوان «القول فی تألیف القرآن»، مراد از «تألیف» را به وضوح بیان داشته است. وی در این باب چنین نگاشته است:

فأما القول في التأليف فالموجود يقضي فيه بتقديم المتأخر وتأخير المتقدم ومن  
عرف الناسخ و المنسوخ و المكي و المدني لم يرتب بما ذكرناه (مفید، پیشین، ص ۸۰).  
اما بحث در تألیف، آنچه [در قرآن کنونی] موجود است خودش به مقدم شدن متأخر و  
متأخر شدن متقدم، حکم می‌کند و کسی که آیات ناسخ و منسوخ و مکی و مدنی را  
بشناسد، در آنچه گفتیم تردید نمی‌کند.

واضح است که بحث از «تقدیم متأخر و تأخیر متقدم» و «تقدیم ناسخ و منسوخ» و «تقدیم مکی و مدنی»، صرفاً بحث از چینش آیات قرآن است، نه مطلقاً تدوین قرآن از حیث زیاده و نقصان. با توجه به این امر، کلام برخی از مستشرقان مانند یوسف دره حداد<sup>۱</sup> و اتان کلبرگ (ن.ک: زمانی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۷۹) در شمردن شیخ مفید در زمره قائلان به تحریف قرآن، با استناد به این عبارت، سخنی نسنجیده است؛ همچنان‌که توجیه برخی دیگر در حمل عبارت «خالفوا فی کثیر من تألیف القرآن»، بر حذف شأن و اسباب نزول در هنگام جمع‌آوری و تدوین قرآن (مسعودی و صفایی، ۱۳۹۲ش، ص ۶۰) نیز دور از واقع و دور از غرض شیخ مفید است؛ بلکه، چنان‌که بیان شد، مقصود شیخ مفید به قرینه عبارت دیگر وی، وقوع دخل و تصرف در چینش و ترتیب آیات مکی و مدنی و ناسخ و منسوخ و سایر آیات است، نه دخل و تصرف در حذف و زیادت آیات، و یا حذف و زیادت تفسیر و شان نزول.

۱. ر.ک: دره حداد، الاثقان فی تحریف القرآن، بخش «لائحة بأسماء علماء الشيعة الذين اقروا التحريف».

بنابراین سخن شیخ مفید مبنی بر اتفاق امامیه بر اعتقاد به وقوع دخل و تصرف ائمه ضلال در تألیف قرآن، به معنای اتفاق نظر امامیه تا عصر ایشان، بر توقیفی نبودن ترتیب آیات قرآن کریم است و هیچ گونه ملازمه‌ای با اعتقاد به تحریف قرآن از حیث زیاده و نقصان ندارد.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که اصطلاح «تألیف» ظاهراً منشأ روایی دارد؛ چراکه در تعدادی از روایات، تغییر ترتیب برخی آیات، «تألیف» نامیده شده است؛ مانند روایت نقل شده در تفسیر قمی که به آن اشاره شد (ن.ک: بالا، بخش ۲-۱)، و یا روایت شیخ مفید در کتاب ارشاد از امام باقر علیه السلام مبنی بر اینکه تألیف و چینش قرآن در زمان ظهور امام زمان (عج) متفاوت خواهد بود:

روی جابر عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال إذا قام قائم آل محمد عليه السلام ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن على ما أنزل الله جل جلاله فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم لأنه يخالف فيه التأليف (مفید، ۱۴۱۳ق-ج، ج ۲، ص ۳۸۶).

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمودند: زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند خیمه‌هایی به پا خواهد شد برای کسانی که قرآن را همان گونه نازل شده به مردم تعلیم می‌دهند. پس در آن روز امر دشوار می‌شود بر کسانی که قرآن را حفظ کرده‌اند؛ چراکه آن قرآن تألیفش متفاوت است.

به این ترتیب می‌توان گفت واژه «تألیف» اصطلاحی روایی بوده که مقصود از آن، ترتیب میان آیات است.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که از دیگر شخصیت‌های شیعی که به توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن باور نداشته، سید رضی شاگرد شیخ مفید و گردآورنده کتاب نهج البلاغه است. او در کتاب دیگری به نام تلخیص البیان فی مجازات القرآن، که آن را در بیان مفاهیم مجازی و استعارای قرآن نگاشته و با رعایت ترتیب، به شرح آیات پرداخته است، پس از آیه ۷ سوره بقره، آیه ۱۰ را شرح می‌دهد و بعد از آن به بیان آیات بعد می‌پردازد و در ادامه آیه ۹ را در بین دو آیه ۱۵ و ۱۶ شرح داده است (ن.ک: ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۳-۱۱۴) که ممکن است ناشی از اعتقاد به چینشی متفاوت با چینش کنونی باشد؛ خصوصاً با لحاظ اینکه آیه ۱۰ می‌تواند با آیه ۷، و آیه ۹ با آیات ۱۵ و ۱۶ ارتباط معنایی داشته باشد.

۱. چنان‌که خود شیخ مفید در همین بخش بعد از تصریح به اعتقاد به توقیفی نبودن «تألیف»، تصریح به عدم وقوع تحریف به زیاده و نقصان در قرآن می‌کند و اعتقادش به صیانت قرآن را با عبارت «سلامة القرآن عنه» بیان می‌دارد (مفید، ۱۴۱۳ق-الف، ص ۸۲).  
 ۲. ناگفته نماند که این اصطلاح، در کلام مجلسی نیز به همین معنای «چینش آیات» به کار رفته است. مجلسی در بابی تحت عنوان «باب تألیف القرآن و أنه علی غیر ما أنزل الله عز و جل» به صورت مفصل به بحث از جایگاه واقعی برخی آیات که به عقیده او هنگام تألیف و تدوین قرآن جابه‌جا نگاشته شده‌اند پرداخته و در همین باب بارها لفظ «تألیف» را در همین معنا (چینش آیات در قرآن) به کار برده است (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۶۶-۷۴).



شریف لاهیجی نیز در تفسیر آیہ ۳۱ سورہ قیامت «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى» بعد از ذکر سبب نزول آیہ و انسجامش با آیہ ۱۶ ہمین سورہ، چنین می نویسد:

ترتیبی کہ بالفعل متداول بین الانام است ترتیب نزولی نیست، بلکہ ترتیب عثمانی است کہ بجهت رعایت معاویہ فاسق، کلام ربانی و وحی الہی را از نظم و نسق انداختہ تا کسی بسبب نزول مذکور، متفطن نشود و قبول آن نکند (لاہیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۶۵).

محمد محسن فیض کاشانی نیز در کتاب تفسیرش، در مقدمہ ششم تحت عنوان «نہذ مما جاء فی جمع القرآن» با نفی اینکہ ترتیب قرآن نازل شدہ بر پیامبر ﷺ مانند قرآن امروزی باشد، چنین می گوید: آنچه از روایات اہل بیت علیہم السلام استفادہ می شود این است کہ این قرآنی کہ در دست ماست مطابق ترتیب مورد رضایت خدا و رسولش صلی اللہ علیہ وسلم نیست (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹).

سید ہاشم بحرانی از دیگر عالمان اخباری نیز در مقدمہ تفسیرش بہ نقل دیدگاہ علی بن ابراہیم قمی پرداختہ و بدون طرح اشکال و مناقشہ در آن، کلام وی را با تفصیلش ذکر می کند، از جملہ این عبارت کہ «برخی آیات آن در یک سورہ قرار دارد کہ ادامہ اش در سورہ دیگری قرار گرفتہ ...» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۴).

از دیگر بزرگان اخباری، محدث نوری نیز با استناد بہ مصحف حضرت علی علیہ السلام، ترتیب کنونی آیات را غیر توقیفی دانستہ و در این رابطہ چنین آورده است:

حضرت علی علیہ السلام مصحفی مخصوص داشته است کہ آن را بعد از وفات رسول خدا شخصا جمع نمود ... و این مصحف با مصحف موجود از حیث ترتیب آیات و سورہ ہا مغایرت دارد ... و از آنجا کہ حق با علی علیہ السلام و علی علیہ السلام با حق است (الحق مع علی و علی مع الحق) بنابراین در مصحف موجود تغییراتی [در ترتیب آیات و سورہ ہا] وجود دارد (نوری، ۱۲۹۸ق، ص ۱۴۴).

از دیگر بزرگان امامیہ کہ در این بحث بہ تفصیل بہ اظہار نظر پرداختہ است، محمدباقر مجلسی است. او در کتاب بحار الانوار در این بارہ بایی با عنوان «باب تألیف القرآن و أنه علی غیر ما أنزل اللہ عزّ و جلّ» نگاشتہ و در آن بہ تفصیل بہ ذکر آیات متعددی پرداختہ کہ بہ عقیدہ او در قرآن جا بہ جا نگاشتہ شدہ اند. او در ضمن بیان این آیات بارہا ترتیب موجود را مخدوش می خواند (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۶۷-۷۰) و در نہایت چنین می نگارد:

... و این دلیل بر این است کہ تألیف (ترتیب آیات)، بر خلاف جریانی است کہ خداوند متعال در اوقات مختلف آیات را راجع بہ حوادثی کہ واقع می شد نازل می فرمود و آنها بہ خاطر کم بودن شناختشان از تألیف (ترتیب) و کم بودن علمشان بہ نزول مطابق نزول الہی،

آیات را مقدم و مؤخر کردند و طبق نظر خودشان آن را تألیف کردند، و بسیاری از آیات را در غیر جایگاهش مکتوب کردند که اقتضاء کم بودن شناختشان بود و اگر آن را از معدنش و اہلش کہ قرآن بر آنان نازل شدہ بود اخذ می‌کردند، تألیف اشتباہ نمی‌شد و مردم بہ ناسخ و منسوخ و محکم و متشابہ و عام و خاص دست می‌یافتند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۷۰).

طباطبایی نیز در تفسیر المیزان بہ بحث از کیفیت جمع و تألیف قرآن می‌پردازد و پس از اختصاص دو فصل مستقل بہ ذکر روایات مربوط بہ کیفیت جمع قرآن، در مقام نتیجہ‌گیری و جمع‌بندی روایات چنین می‌آورد:

بہ طور کلی آنچه این روایات بر آن دلالت دارند عبارتند از: اولاً: قرآن موجود بین دو جلد همان کلام خداوند متعال است کہ چیزی بر آن افزوده نشدہ و چیزی از آن تغییر نکرده است و ثانیاً: ترتیب سوره‌ها، از جانب صحابہ در جمع اول (جمع ابوبکر و عمر) و جمع دوم (جمع عثمان) صورت گرفتہ است. و ثالثاً: اینکہ قرار گرفتن بعضی از آیات قرآن کہ متفرق نازل شدہ‌اند در جایگاهی کہ امروزہ در آن قرار دارند، خالی از مداخلہ و اجتہاد صحابہ نبودہ است، چنانکہ ظاہر روایات جمع اول ہمین است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۲۵-۱۲۷).

از ظاہر کلام بلاغی در تفسیرش نیز چنین برمی‌آید کہ او نیز ترتیب کنونی را توفیقی نمی‌داند. بلاغی با اشارہ بہ این امر کہ در دورہٴ پیامبر ﷺ بہ خاطر ادامہ داشتن نزول وحی، قرآن بہ صورت مصحف گردآوری نشد، جمع قرآن را مستند بہ اقدام مسلمانان پس از رحلت پیامبر ﷺ دانستہ و تصریح کردہ است کہ مسلمانان در این امر ترتیب نزول را رعایت نکردند و آیات ناسخ را بر منسوخ مقدم نداشتند: با توجہ بہ اینکہ در حیات رسول اللہ ﷺ نزول وحی همچنان ادامہ داشت تمام قرآن در مصحف واحدی جمع‌آوری نشد، ہرچند در قلوب مسلمین و مکتوبات آنان جمع شدہ بود. اما زمانی کہ رسول خدا ﷺ رحلت یافت و نزول وحی قطع گردید و انتظار نزول تتمہ‌ای برای قرآن نبود، مسلمانان بر آن شدند کہ آن را در مصحف جامعی گرد آورند. پس با اشراف ہزاران حافظ و ہمراہی مکتوبات موجود از رسول و کاتبان وحی و سایر مسلمانان — اعم از حفظ و مکتوبات کامل یا بخشی و سوره‌ای — قرآن را جمع‌آوری کردند. البتہ قرآن بر ترتیب نزولش مرتب نشد و منسوخ آن بر ناسخش مقدم نگردید (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۸).

ہیچنین او در حاشیہ‌ای ذیل ہمین مطلب، مرتب بودن مصحف حضرت علیؑ بہ ترتیب نزول را

این گونه یاد آور می شود:

البته نزد شیعه مسلم است که امیرالمومنین علی علیه السلام بعد از وفات رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم رداء بر دوش نگرفت، مگر برای نماز تا آنکه قرآن را مطابق ترتیب نزولش جمع آوری کرد و منسوخش را بر ناسخش مقدم داشت (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۸).

علاوه بر دانشمندان یادشده، عدہ دیگری از مفسران و قرآن پژوهان نیز به توقیفی نبودن چینش آیات تصریح کرده اند (ن.ک: شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۵؛ سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۲۰-۴۲۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۵۴؛ نکونام، ۱۳۸۲ش، ص ۱۶۳-۱۷۳).

## ۲-۲. توقیفی بودن چینش آیات

در میان علماء امامیه، عده ای نیز به توقیفی بودن چینش آیات قرآن کریم باور داشته و ترتیب آیات را مطابق نظر پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم دانسته اند. شاید بتوان این دیدگاه را از کلام شیخ صدوق برداشت کرد؛ چنانکه در کتاب اعتقادات الإمامیة می گوید:

اعتقادنا أن القرآن الذي أنزله الله تعالى على نبيه محمد صلى الله عليه وآله وسلم هو ما بين الدفتين، وهو ما في أيدي الناس، ليس بأكثر من ذلك، و مبلغ سورة عند الناس مائة وأربع عشرة سورة... (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۸۴).

اعتقاد ما این است که قرآنی که خداوند بر نبی اش محمد صلی اللہ علیہ وسلم نازل کرده است همان است که بین دو جلد است و در دست مردم می باشد، نه بیشتر از آن، و مقدار سوره های آن نزد مردم صد و چهارده سوره می باشد.

اما چنانکه پوشیده نیست، این عبارت صراحتی در توقیفیت ترتیب آیات ندارد؛ چراکه شیخ صدوق این کلام را در مقام اعتقاد به عدم تحریف قرآن و عدم زیاده و نقصان آن بیان داشته است؛ بدین معنا که مقصود آن است که آنچه نازل شده به طور کامل و بدون زیاده و نقصان در قرآن امروزی گردآوری شده است؛ همچنان که عنوان باب یعنی «باب الاعتقاد في مبلغ القرآن» و عبارت «ليس بأكثر من ذلك و...» گواه بر آن است، بنابراین این عبارت شیخ صدوق نفیاً یا اثباتاً در مقام بحث از ترتیب آیات نیست و نظیر این کلام شیخ مفید است:

لا شك أن الذي بين الدفتين من القرآن جميعه كلام الله تعالى و تنزيله و ليس فيه شيء من كلام البشر (مفید، ۱۴۱۳ق-ب، ص ۷۸).

شکی در این نسیت که قرآنی که میان دو جلد است تمام آن کلام خداوند متعال و تنزیل اوست و در آن سخن هیچ بشری وجود ندارد.

پس همان طور که شیخ مفید بدون اعتقاد به توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن، قرآن بین الدفتین را کلام خداوند خوانده است، شیخ صدوق نیز قرآن بین الدفتین را کلام خداوند نامیده و این عبارت ملازمه‌ای با اعتقاد به توقیفیت آیات ندارد، بلکه تنها ناظر به بحث زیاده و نقصان است.

علاوه بر این، چنان‌که اشاره شد، شیخ مفید دیدگاه عدم توقیفیت ترتیب را مورد اتفاق امامیه خوانده است که بر این اساس، این گزارش شیخ مفید از اتفاق نظر امامیه، کاشف از دیدگاه استاد خود، یعنی شیخ صدوق نیز خواهد بود؛ چراکه بعید است شیخ صدوق اعتقاد به توقیفیت داشته باشد، ولی شیخ مفید اعتنایی به دیدگاه او نکرده و دیدگاه خویش را مورد اتفاق امامیه بخواند. علاوه بر اینکه اگر این سخن شیخ صدوق در کتاب اعتقادات الامامیه دلالت بر توقیفیت ترتیب آیات می‌داشت، قطعاً شیخ مفید در کتاب تصحیح اعتقادات الامامیه که آن را در تبیین موارد اختلاف نظر با دیدگاه‌های شیخ صدوق در شرح کتاب او نگاشته است، در آن خدشه می‌کرد؛ در حالی که در این خصوص هیچ نقدی طرح نکرده است. بنابراین شیخ صدوق را نمی‌توان از قائلان به توقیفیت دانست؛ بلکه او نیز با توجه به اجماع ذکر شده توسط شیخ مفید، در زمره قائلان به عدم توقیفیت است.

به این ترتیب، با توجه به اتفاق نظر موجود تا زمان شیخ مفید بر عدم توقیفیت ترتیب آیات، می‌توانیم سید مرتضی را پایه‌گذار نظریه توقیفیت ترتیب آیات در میان امامیه بدانیم. وی در کتاب الذخیره فی علم الکلام با بیان اینکه در زمان پیامبر ﷺ قرآن به صورت یک کتاب تالیف شده بود، قرآن امروزی را همان کتاب تالیف شده در عصر پیامبر ﷺ می‌داند و چنین می‌گوید:

قرآن بدون کاستی و تبدیل و تغییر نقل شده است و علم به اینکه این قرآنی که در دست ماست همان است که در دست رسول خدا ﷺ بوده است، مانند علم به شهرها و حوادث بزرگ و کتب مشهور و اشعار تدوین شده (بدیهی) است (سید مرتضی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۱-۳۶۲).

... قرآن در عهد نبی ﷺ مطابق آنچه که الان موجود است جمع‌آوری و تألیف شده بود، چراکه قرآن در آن زمان تدریس می‌شد و تمام آن حفظ می‌شد (همان، ص ۳۶۳).

هر چند سید مرتضی نیز به توقیفیت ترتیب آیات تصریح نکرده است، از ظاهر این امر که تدوین قرآن را به عصر پیامبر ﷺ منتسب نموده و قرآن امروزی را مطابق آن دانسته است، این طور به نظر می‌رسد که به عقیده او ترتیب آیات در سوره‌ها نیز منتسب به عصر پیامبر ﷺ بوده که در آن زمان تدریس و حفظ می‌شده است.

از ظاهر عبارتی از شیخ طوسی نیز چنین برمی‌آید که او هم به تبع استادش سید مرتضی، دیدگاه

توقیفیت ترتیب آیات را پذیرفته است؛ چنان‌که روایات دال بر جابہ جا شدن برخی آیات در قرآن را اخبار آحاد و مورد اعراض دانسته است:

... روایات زیادی از طریق فریقین مبنی بر نقصان بسیاری از آیات قرآن و تغییر جایگاه برخی از آیات از جایگاهش نقل شده است؛ اما همه آنها خبر واحدند، کہ نہ موجب علم می‌شوند نہ عمل؛ و رویگردانی از آنها سزاوارتر است؛ چراکہ آنها قابل تأویلند (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴).

اما دقت در دیدگاه شیخ طوسی نشان می‌دهد کہ او تنها در مقام اثبات، اعتماد بہ خبر را رد می‌کند؛ نہ اینکه بہ صورت کلی ترتیب آیات را توقیفی بدانند. شاهد این امر آن است کہ وقتی دلیل قابل اعتمادی بر تغییر جایگاه آیہ ای وجود داشته باشد آن را تنها بہ جهت مخالفت با ادلہ توقیفیت مردود نمی‌خوانند؛ بلکه احتمال آن را مطرح می‌داند. چنان‌کہ در تفسیر برخی از آیات، ترتیبی مغایر با ترتیب کنونی را تفسیر امامیہ می‌خوانند؛ مانند تفسیر آیہ شریفہ «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء: ۳) کہ قول امامیہ را اتصال این آیہ بہ دنبالہ آیہ ۱۲۷ همین سوره می‌داند و می‌گوید:

در تفسیر اصحاب ما این آیہ متصل است بہ آیہ: «وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ» (نساء: ۱۲۷) «وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء: ۳) (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۳).

طبرسی نیز در مقدمہ مجمع البیان با ذکر کلام سید مرتضی، دیدگاه او را درباره کیفیت جمع قرآن پذیرفته است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸۳-۸۴)؛ اما بہ نظر می‌رسد کہ دیدگاه او نیز مشابه دیدگاه شیخ طوسی است. طبرسی ہرچند در تفسیر برخی از آیات نیز، بخشی را تحت عنوان «نظم» می‌آورد کہ در آن بہ بیان ارتباط میان آیات می‌پردازد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۱۰، ۱۷۸، ۳۴۶ و ...). اما او نیز در تفسیر آیہ ۳ سورہ نساء با بیان اختلافی بودن جایگاه این آیہ، دیدگاه امامیہ را اتصال آن بہ دنبالہ آیہ ۱۲۷ همین سوره دانستہ و پس از بیان سایر دیدگاه‌ها بہ ترجیح ہمین دیدگاه گرایش نشان می‌دهد (ن.ک: طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۰-۱۱).

از ظاہر سخن ابن شہر آشوب (۱۳۶۹ق، ج ۲، ص ۷۷) و سید بن طاووس (بی تا، ص ۱۹۲-۱۹۳ و ۲۷۸) درباره جمع قرآن نیز چنین برمی‌آید کہ آنان نیز ترتیب آیات را توقیفی دانستہ‌اند.

در میان معاصران نیز مقتضای ظاہر کلام خوبی در البیان نیز این است کہ چینش آیات قرآن، توقیفی بوده و مطابق نظر پیامبر اکرم ﷺ صورت گرفته است؛ چراکہ او نیز تدوین سورہ‌های قرآن را بہ عصر

پیامبر ﷺ منتسب دانسته است:

بسیاری از آیات قرآن دلالت بر این دارند که سوره‌های قرآن در خارج متمایز از یکدیگر بوده‌اند و اینکه سوره‌ها بین مردم حتی مشرکان و کفار منتشر بوده است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ کفار و مشرکان را به آوردن مثل قرآن و ده سوره و یک سوره تحدی کرده است و معنای این امر، آن است که سوره‌های قرآن در دسترس آنها بوده است (خویی، بی‌تا، ص ۲۵۱).  
... همه این امور برای ما قطع ایجاد می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ در همان عصر به کتابت قرآن امر کرده بود (همان، ص ۲۵۳).

هر چند خویی این مباحث را در مورد اعتقاد به اصل مکتوب شدن سوره‌های قرآن کریم در عصر پیامبر ﷺ بیان می‌کند، تلازم آن با اعتقاد به توقیفیت ترتیب آیات در سوره‌ها پوشیده نیست؛ چراکه با این بیان، ترتیب آیات در هر سوره، در عهد پیامبر ﷺ و به دستور ایشان انجام می‌گرفته است.

محمد هادی معرفت نیز در کتاب التمهید، اعتقاد به توقیفیت ترتیب آیات قرآن را چنین بیان داشته است:  
تألیف آیات در ضمن هر سوره‌ای مطابق ترتیب موجود، امری است که در اکثر آیات مطابق با ترتیب نزولشان صورت گرفته است ... اما عامل دیگری نیز در تنظیم بخشی از آیات بر خلاف ترتیب نزولش وجود دارد که تصریح و تعیین خاص رسول خدا ﷺ است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۶).

معرفت سپس - مانند عالمان علوم قرآنی از اهل تسنن مانند زرکشی در البرهان (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۳)، سیوطی در الاتقان (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۴) و زرقانی در مناهل العرفان (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۹) که این مسأله را اجماعی معرفی کرده‌اند - این بحث را با عنوان «مما لا خلاف فيه» مطرح می‌کند و آن را مورد اتفاق مسلمین می‌داند و چنین می‌نویسد:

... این مسأله از اموری است که اختلافی در آن نیست؛ چنان‌که ابوجعفر بن زبیر به آن تصریح کرده است و گفته است: «ترتیب آیات در سوره‌ها به دستور پیامبر ﷺ صورت گرفته است و بین مسلمانان در این مسأله اختلافی وجود ندارد» (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۷؛ همان، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۸۱).<sup>۱</sup>

ورود این ادعای اتفاق نظر از کتب اهل سنت به مباحث علوم قرآنی امامیه، بدون شک در تمایل صاحبان کتب علوم قرآنی معاصر به دیدگاه توقیفی بودن ترتیب آیات و همچنین در نادیده گرفته شدن

۱. البته در بعضی از چاپ‌ها، کلام ابوجعفر بن زبیر ذکر نشده است؛ چنان‌که در چاپ دوم (دوره ۶ جلدی) مؤسسه النشر الاسلامی (۱۴۱۵ق) سخن ابوجعفر ذکر نشده، اما در چاپ اول (دوره ۱۰ جلدی) مؤسسه التمهید (۱۴۲۸ق) کلام وی آورده شده است.

دیدگاه بزرگان امامیہ مبنی بر عدم توقیفیت نقش داشته است و منجر بہ آن شد کہ بسیاری از صاحبان کتب علوم قرآنی معاصر با تصور وجود چنین اتفاق نظری، دیدگاه توقیفیت را بہ عنوان دیدگاهی قطعی و اجماعی بپذیرند؛ چنانکہ برخی این دیدگاه را مورد اتفاق خواندہ (رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۵۷۵؛ رادمنش، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۳؛ حجتی، ۱۳۸۷ش، ص ۶۶؛ کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۹؛ محدث خراسانی، ۱۳۷۲ش، ص ۵۸)، یا اجماع بر این مطلب را نقل کردہ اند (میرمحمدی زرنندی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۱۶؛ سعیدی روشن، ۱۳۷۹ش، ص ۱۵۴). این در حالی است کہ ادعای اجماع و اتفاق نظر بر توقیفیت ترتیب آیات، از اساس امری موهوم و غیر واقعی است؛ بلکہ، چنان کہ گذشت، عموم عالمان متقدم امامیہ بہ عدم توقیفیت ترتیب آیات باورمند بودہ اند.

حتی محمدہادی معرفت نیز در خصوص بعضی آیات، توقیفی بودن را مورد تردید قرار می دہد و نمونہ هایی از آن را ذکر می کند. او در این بارہ می نویسد:

آیاتی را مشاہدہ می کنیم کہ در مواضعی از سورہا ثبت شدہ است کہ با تاریخ نزول آن سازگاری ندارد، پس آیا این بہ دستور خاص پیامبر ﷺ بودہ است یا بہ سبب دیگری کہ نمی دانیم؟ مسألہ ای کہ تا امروز بدان جاہلیم (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۸).

بہ طور کلی از آنچه گذشت می توان دریافت کہ نسبت بہ دیدگاه شیخ صدوق، شیخ طوسی و مرحوم طبرسی در توقیفیت ترتیب آیات تردید وجود دارد؛ اما لازمہ دیدگاه سید مرتضی و خوبی در تدوین قرآن، باور بہ توقیفیت ترتیب آیات می باشد. معرفت نیز ہرچند بہ توقیفی بودن ترتیب آیات تصریح کردہ، در کلیت آن تردید کردہ و آیاتی را در این خصوص نام بردہ است.

اما در دورہ معاصر با شایع شدن اجماع موهوم، گرایش بہ دیدگاه توقیفیت ترتیب آیات رو بہ افزایش نہاد؛ بہ طوری کہ علاوہ بر مدعیان و ناقلان این اتفاق نظر موهوم، عدہ ای دیگر از قرآن پژوهان معاصر نیز آن را پذیرفتند (ن.ک: عسکری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ مرتضی عاملی، ۱۹۹۲م، ص ۱۴۶؛ معارف، ۱۳۸۳ش، ص ۳۷۳؛ ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۲؛ فقہی زادہ، ص ۵۶).

### ۳. ترتیب سورہہا در قرآن کریم

با توجہ بہ این امر کہ ترتیب سورہہا در مصحف کنونی با ترتیب نزول آن انطباق ندارد و چینش آنها بہ لحاظ رتبہ نزول سورہہا صورت نگرفتہ، این مسألہ مطرح می شود کہ آیا این ترتیب موجود بین سورہہای قرآن کریم از جانب پیامبر ﷺ صورت گرفتہ و توقیفی است، یا اینکہ توسط صحابہ پس از رحلت پیامبر ﷺ انجام گرفتہ است. طبیعتاً در این زمینہ نیز دو دیدگاه متضاد وجود دارد.

### ۳-۱. توقیفی نبودن ترتیب سوره‌ها

بسیاری از کسانی که توقیفی بودن ترتیب آیات را نپذیرفته‌اند، تاریخ جمع‌آوری قرآن را در دوره صحابه و پس از رحلت پیامبر ﷺ دانسته‌اند. با توجه به این امر، باورمندان به عدم توقیفیت ترتیب آیات، مانند محدث قمی، شیخ مفید، سید رضی، شریف لاهیجی، فیض کاشانی، سید هاشم بحرانی، سید نعمت‌الله جزائری، محدث نوری، محمدباقر مجلسی، محمدحسین طباطبایی و محمدجواد بلاغی را می‌توان در ترتیب سوره‌ها نیز از باورمندان به عدم توقیفیت دانست؛ چراکه وقتی ترتیب چینش آیات در سوره‌ها را مربوط به عصر صحابه و مطابق نظر آنان بدانند، به طریق اولی ترتیب بین سوره‌ها را نیز مربوط به عصر صحابه و مطابق نظر آنان می‌دانند.

علاوه بر اینان، معرفت نیز دیدگاه عدم توقیفیت ترتیب بین سوره‌های قرآن کریم را پذیرفته و در این باره نوشته است:

اما جمع سوره‌ها و ترتیبشان به صورت مصحفی که بین دو جلد تألیف شده باشد، امری است که بعد از وفات پیامبر ﷺ صورت گرفته است؛ چراکه دوره نبوی به پایان رسید، درحالی‌که قرآن بر روی چوب‌ها و پاره‌کاغذها و استخوان‌ها و پارچه‌ها و در سینه مردم متفرق بود (همان، ج ۱، ص ۲۸۰).

ایشان در ادامه دیدگاه عدم توقیفی بودن ترتیب بین سوره‌ها را دیدگاه مشهور از قدیم تا به امروز خواننده و می‌نویسد:

این نظر، دیدگاه مشهور بین قرآن‌پژوهان و راویان آثار از آغاز تا به امروز است که به اتفاق نظر بین صاحبان تاریخ و سیره نزدیک است (همان، ج ۱، ص ۲۸۳).

علاوه بر این، عده‌ای از قرآن‌پژوهان معاصر نیز به توقیفی نبودن ترتیب بین سوره‌های قرآن کریم تصریح کرده‌اند (ن.ک: عسکری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۴؛ مرتضی‌عاملی، ۱۹۹۲م، ص ۱۴۶؛ نکونام، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۸-۱۷۳؛ فقهی‌زاده، ص ۷۳).

### ۳-۲. توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها

در میان مفسران و محدثان بزرگ امامیه، شخصی که بر توقیفیت ترتیب سوره‌های قرآن تصریح کرده باشد یافت نمی‌شود؛ هرچند برخی محققان از عبارت سید مرتضی مبنی بر اینکه «قرآن در عهد نبی ﷺ مطابق آنچه که الآن موجود است جمع‌آوری و تألیف شده بود» چنین استفاده کرده‌اند که او حتی ترتیب سوره‌ها را نیز منتسب به دوره پیامبر ﷺ و توقیفی دانسته است (ن.ک: معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۳؛ ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۶)؛ اما توجه به این نکته ضروری است که عبارات ذکرشده از سید مرتضی



صراحتی بر مسأله ترتیب سوره‌ها ندارد؛ چنانکہ معرفت در حاشیہ‌ای بر این مطلب نوشته است: «ممکن است کلام سید را حمل بر این کنیم کہ مقصود وی کامل شدن سوره‌ها بودہ است؛ بدین معنا کہ آیات آن متفرق و جدا از یکدیگر نبودہ اند»<sup>۱</sup>.

آنچه از ملاحظہ سیاق کلام سید مرتضیٰ نیز بہ دست می‌آید این است کہ مراد او از اینکہ قرآن را در عہد پیامبر ﷺ مدون دانستہ و قرآن کنونی را مطابق آن خوانندہ است، صرفاً مطابقت از حیث عدم زیادہ و نقصان قرآن کنونی بودہ، نہ از حیث تطابق در ترتیب بین سوره‌ها. شاہد این مطلب آن است کہ سید مرتضیٰ تمام این مباحث را در مقام جواب بہ شبہہ‌ای مبنی بر تحریف و نقصان قرآن کنونی طرح کردہ است (ن.ک: سید مرتضیٰ، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۱-۳۶۴). بنابراین غرض او از پاسخ ذکر شدہ، مطابقت سوره‌های قرآن با سوره‌های عصر پیامبر ﷺ از حیث کم و زیاد شدن آیات آن بودہ، نہ از حیث ترتیب سوره‌ها؛ چراکہ نہ شبہہ در مقام آن بودہ و نہ فضای پاسخ در مقام بیان ترتیب سوره‌ها بیان شدہ است. با توجہ بہ آنچه ذکر شد نقل دیدگاہ سید مرتضیٰ توسط طبرسی در مقدمہ مجمع البیان، کہ ظہور در پذیرش دیدگاہ وی دربارہ کیفیت جمع قرآن دارد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸۳-۸۴)، نیز بہ معنای اعتقاد طبرسی بہ توقیفیت ترتیب بین سوره‌ها نیست. همچنین بیان تناسب‌های سطحی بین آیات پایانی سوره‌ها و آیات آغازین سورہ بعد توسط طبرسی نیز دلالت روشنی بر اعتقاد بہ توقیفی بودن ترتیب بین سوره‌ها ندارد؛ چراکہ سطحی و مختصر بودن ذکر این تناسب‌ها، دلالتی بر ابتناء آن بر یک مبنای علمی ندارد؛ ہرچند شاید بتوان ادعا کرد طبرسی بہ وجود درجہ‌ای از نظم بین سوره‌ها تمایل نشان دادہ است. بہ عنوان نمونہ او در بیان تناسب ترتیب برخی از سوره‌ها چنین نوشته است:

وقتی خداوند سورہ ماندہ را با آیہ «علی کل شیء قدیر» پایان داد، سورہ انعام را با خلق آسمان و زمین کہ بر نہایت قدرتش دلالت دارد آغاز کرد (طبرسی، پیشین، ج ۴، ص ۴۲۲).  
وقتی خداوند سبحان سورہ انعام را بہ رحمت پایان داد، این سورہ (اعراف) را بہ اینکہ او کتابی نازل فرمود کہ دارای معالم دین و حکمت است آغاز کرد (پیشین، ج ۴، ص ۶۰۸).  
وقتی خداوند سورہ قصص را بہ ذکر وعد و وعید پایان داد، این سورہ (عنکبوت) را با ذکر تکلیف بندگان آغاز کرد (پیشین، ج ۸، ص ۴۲۵).

چنانکہ ملاحظہ می‌شود، بیان چنین مناسبت‌هایی بین ہر آیہ و سورہ‌ای ممکن است. البتہ تناسب واقعی بین دو آیہ و یا دو سورہ تنها زمانی مطرح خواہد بود کہ در مرتبہ نزول دارای ترتیب باشند، نہ در مرحلہ چینش؛ حتی اگر چینش آیات توقیفی دانستہ شود.

۱. این سخن با تعبیر «قلت» در حاشیہ التمهید (ج ۱، ص ۲۸۷) دورہ ۱۰ جلدی (۱۴۲۸ق) ذکر شدہ است.

علاوه بر سید مرتضی، برخی محققان به خوبی نیز قول به توقیفیت ترتیب بین سوره‌ها را نسبت داده‌اند (ن.ک: معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۳؛ ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۶)؛ اما علاوه بر اینکه در عبارت‌های خوبی دلیلی بر این نسبت یافت نمی‌شود، سخن او درباره مصحف حضرت علی علیه السلام و کیفیت تألیف سوره‌ها در آن، نافی این نسبت است. خوبی در این باره می‌نویسد:

وجود مصحفی متعلق به امیر المؤمنین علیه السلام که با قرآن موجود از لحاظ ترتیب سوره‌ها مغایرت دارد، از اموری است که تردیدی در آن راه ندارد (خویی، بی‌تا، ص ۲۲۳).

بنابراین علاوه بر عدم اشاره خوبی به اعتقاد به توقیفیت ترتیب بین سوره‌ها، بیان دیدگاهش در خصوص تفاوت ترتیب بین سوره‌ها در مصحف حضرت علی علیه السلام با مصحف کنونی، قطعاً دلالت بر عدم اعتقاد او به توقیفیت ترتیب کنونی بین سوره‌ها دارد؛ چراکه ممکن نیست او ترتیب کنونی بین سوره‌ها را توقیفی و نبوی بداند، و در عین حال به مخالفت حضرت علی علیه السلام با این ترتیب و مخالفت با توقیف پیامبر صلی الله علیه و آله باور داشته باشد و با این وجود اشاره‌ای به اصل این تنافی و دفع یا توجیه آن نکرده باشد.

لازم به ذکر است که آنچه از بررسی کامل عبارات خوبی در کتاب البیان (که برخی با استناد به آن، اعتقاد به توقیفیت ترتیب سوره‌ها را به او نسبت داده‌اند) به دست می‌آید، آن است که وی در این زمینه تنها در صدد ابطال روایاتی بوده که دلالت بر این دارند که جمع قرآن پس از نبی از سینه حافظان و با شهادت دو شاهد صورت گرفته است و اینکه آیات قرآن در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پراکنده بوده و حتی سوره‌بندی نشده بود. خوبی در مقام رد این روایات، ادله‌ای از جمله تعارض این روایات با آیاتی که به آوردن چند سوره تحدی کرده است را ذکر کرده و ادله‌ای بر مکتوب شدن قرآن در دوره پیامبر صلی الله علیه و آله بیان داشته است. بنابراین سخن او ناظر به کتابت آیات هر سوره در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و هرچند این مطلب ملازم با توقیفی بودن ترتیب آیات است، تلازمی با توقیفیت ترتیب بین سوره‌ها ندارد و در نتیجه تضادی با دیدگاه او درباره ترتیب بین سوره‌های مصحف حضرت علی علیه السلام به وجود نمی‌آورد.

علاوه بر سید مرتضی و خوبی، به محمدباقر صدر و محمدباقر حکیم نیز اعتقاد به توقیفیت ترتیب سوره‌ها را نسبت داده‌اند (ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۷)؛ در حالی که اینان تنها جمع قرآن را مربوط به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند و اشاره‌ای به توقیفیت ترتیب آیات و سوره‌ها نکرده‌اند.

علاوه بر این، صدر در پاسخ به شبهه قائلان به تحریف مبنی بر متفاوت بودن مصحف حضرت علی علیه السلام با مصحف کنونی، تفاوت مصحف حضرت علی علیه السلام با مصحف کنونی را در اختلاف در ترتیب و در اضافات تفسیری دانسته است (حکیم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۷) که دست‌کم ظهور در اعتقاد به عدم توقیفیت ترتیب سوره‌های قرآن کریم دارد، اگر نگوئیم نافی توقیفیت ترتیب آیات نیز هست. او همچنین

در بیان وجہ جمع میان دیدگاہ تدوین قرآن در عصر پیامبر ﷺ و دیدگاہ مشہور در جمع قرآن در عصر دو خلیفہ اول چنین نوشتہ است:

دانستیم کہ ایجاد موافقت بین دو دیدگاہ بہ این صورت ممکن است کہ بگوییم اصل تدوین قرآن در عہد رسول خدا ﷺ انجام شدہ است؛ اما جمع آن بہ شکل مصحفی کہ اوراقتش مرتب شدہ باشد در عہد دو خلیفہ صورت گرفتہ است (حکیم، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۵).

چنان کہ روشن است، این عبارت نیز اگر کاشف از دیدگاہ ایشان در توقیفی نبودن ترتیب آیات نباشد، قطعاً دلالت بر عدم اعتقاد ایشان بر توقیفیت ترتیب بین سورہ ہا می کند. بنابراین شمردن صدر و حکیم در شمار باورمندان بہ توقیفیت ترتیب بین سورہ ہا نیز امری خلاف واقع است.

از آنچه گذشت می توان دریافت کہ هیچ یک از مفسران و محدثان بزرگ امامیہ، بر توقیفی بودن ترتیب بین سورہ ہا تصریح نکرده است؛ ہرچند این دیدگاہ بہ سید مرتضی و خویی و صدر نسبت دادہ شدہ است. با این حال، برخی قرآن پژوهان معاصر در ترتیب بین سورہ ہای قرآن نیز ادعای توقیفیت داشتہ و آن را مطابق نظر پیامبر ﷺ عنوان کردہ اند (ر.ک: میرمحمدی زرنندی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۱۶؛ ایازی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۲-۳۷؛ کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۷ و ۱۰۳). عدہ ای نیز دیدگاہ توقیفیت را در اکثر سورہ ہا پذیرفتہ (حجتی، ۱۳۸۷، ص ۹۰) و برخی دیگر بدون انتخاب دیدگاہ خاص، بہ ذکر دیدگاہ ہای موجود در مسألہ اکتفاء کردہ اند (رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۵۹۷-۶۰۰؛ رادمنش، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۷).

### عدم تلازم میان بحث توقیفیت و تحریف

در پایان لازم است تذکر دادہ شود کہ اعتقاد بہ توقیفی نبودن ترتیب آیات قرآن، ملازم با اعتقاد بہ تحریف قرآن نیست؛ چراکہ تحریف در حقیقت ناظر بہ تغییراتی همچون تبدیل و زیادت و نقصان کلماتی از قرآن است کہ موجب دگرگونی معنا و زوال اوصاف اساسی قرآن نظیر اعجاز، ہدایت و حقانیت آن شود (ن.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۰۶-۱۰۷)؛ وگرنہ، اگر ہر تغییری در قرآن را تحریف بدانیم باید اختلاف قرائت و اختلاف در رسم الخط قرآن را ہم تحریف بنامیم و این در حالی است کہ بسیاری از علماء فریقین با وجود اعتقاد بہ عدم تحریف، بہ اختلاف قرائت و رسم الخط و همچنین توقیفی نبودن ترتیب سورہ ہا باور دارند. شاهد آن کہ بسیاری از معتقدان بہ توقیفی نبودن ترتیب آیات، بر سلامت قرآن از تحریف تصریح کردہ اند (ن.ک: نکونام، ۱۳۸۲ش، ص ۲۱۵).

## نتیجه گیری

۱. در رابطه با ترتیب چینش جملات در آیات، برخی همچون سید نعمت‌الله جزائری جایگاه جملات برخی از آیات سوره بقره و مانده را غیر توقیفی دانسته‌اند. محمدباقر مجلسی نیز توقیفیت جایگاه آیه تطهیر را که در کنار خطاب‌های مربوط به همسران پیامبر ﷺ در یک آیه قرار گرفته انکار کرده است؛ چنان‌که محمدحسین طباطبایی نیز علاوه بر آیه تطهیر، توقیفیت ترتیب آیه اکمال را که آن هم بخشی از آیه دیگری قرار گرفته نپذیرفته است. محمدهادی معرفت نیز علی‌رغم تصریح به توقیفی دانستن ترتیب جملات در آیات، نسبت به توقیفی بودن جایگاه کنونی آیه اکمال اظهار تردید کرده است.

۲. در رابطه با توقیفیت ترتیب چینش آیات در سوره‌ها، بسیاری از محدثان و مفسران امامیه به عدم توقیفیت باور دارند؛ چنان‌که محدث قمی، شیخ مفید، شریف لاهیجی، فیض کاشانی، سید هاشم بحرانی، سید نعمت‌الله جزائری، محدث نوری، محمدباقر مجلسی، محمدحسین طباطبایی و محمدجواد بلاغی به این مطلب تصریح کرده‌اند. حتی می‌توان گفت تا قرن پنجم هجری یعنی تا دوره شیخ مفید، این مسأله مورد اتفاق امامیه بوده است. دیدگاه شیخ صدوق، شیخ طوسی و طبرسی در این موضوع به وضوح روشن نیست؛ اما لازمه دیدگاه سید مرتضی و خوبی در تدوین قرآن در عصر پیامبر ﷺ، باور به توقیفیت ترتیب آیات است. معرفت نیز هرچند به توقیفی بودن ترتیب آیات تصریح کرده، در کلیت آن تردید نموده و آیاتی را در این خصوص برشمرده است.

۳. در دوره معاصر با وارد شدن ادعای اجماع از کتب علوم قرآنی اهل سنت، به تدریج گرایش به دیدگاه توقیفیت ترتیب آیات افزایش یافت و بسیاری از قرآن‌پژوهان و نویسندگان آن را پذیرفتند. این در حالی است که چنین اجماعی هیچ‌گاه در میان امامیه وجود نداشته است؛ بلکه عموم مفسران و محدثان، ترتیب آیات را توقیفی نمی‌دانستند.

۴. در رابطه با ترتیب چینش سوره‌ها در قرآن کریم، علاوه بر قائلان به عدم توقیفیت در ترتیب آیات که به توقیفیت ترتیب سوره‌ها نیز باور ندارند، معرفت و خوئی و صدر نیز توقیفیت ترتیب بین سوره‌ها را نپذیرفته‌اند؛ هرچند برخی به اشتباه دیدگاه توقیفیت را به خوئی و صدر نسبت داده‌اند. دیدگاه سید مرتضی نیز در این رابطه چندان صریح نیست؛ گرچه برخی او را از باورمندان به توقیفیت نام برده‌اند.

## کتاب‌نامه

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدار، چاپ اول، ۱۳۶۹ق.

- ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود للنفوس المنضود، قم: دار الذخائر، چاپ اول، بی‌تا.

- استرآبادی، علی، تأویل الآیات، قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

- ایازی، محمد علی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، قم: کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
- بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
- بحرانی، سید ہاشم، البرہان فی تفسیر القرآن، تہران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- بروجردی، سید محمد ابراہیم، تفسیر جامع، تہران: انتشارات صدر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
- بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- جزائری، سید نعمت اللہ، النور المبین، قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- حاجی امیری، شہربانو، «تحلیلی بر کیفیت چینش آیات و سورہا در قرآن»، بینات، پاییز ۱۳۸۸، ش ۶۳، ص ۵۸-۷۹.
- حاجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تہران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۲۴، ۱۳۸۷ ش.
- حسینی طہرانی، محمدحسین، مہر تابان، بی جا، باقرالعلوم، بی تا.
- حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسہ احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا، بی نا.
- رادمش، سید محمد، آشنایی با علوم قرآنی، تہران: علوم نوین/جامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تہران: امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹ ش.
- زرقانی، محمد عبد العظیم، مناہل العرفان فی علوم القرآن، بی جا، دار احیاء التراث العربی، بی تا، بی نا.
- زرکشی، محمد بن عبد اللہ، البرہان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفہ، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- زمانی، محمد محسن، مستشرقان و قرآن، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب اللہ، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- سعیدی روشن، محمد باقر، علوم قرآن، قم: مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
- سید رضی، محمد بن حسین، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، بیروت: دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- سید مرتضی، الذخیرہ فی علم الکلام، قم: مؤسسہ النشر الإسلامی، بی تا، بی نا، ۱۴۱۱ ق.
- سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ق.
- شیر، سید عبد اللہ، الجوہر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: مکتبۃ الألفین، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- شبیری زنجانی، محمد جواد، دانشنامہ جہان اسلام، تہران: بنیاد دائرۃ المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الإمامیہ، قم: کنگرہ شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، قم: جامعہ مدرسین حوزه علمیہ قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفہ، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، جعفر مرتضی، حقایق ہامہ حول القرآن الکریم، بیروت: دار الصفوہ، چاپ دوم، ۱۹۹۲ م.
- عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، بیروت: صدر، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- فقہی زادہ، عبدالہادی، پژوهشی در نظم قرآن، تہران: جہاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

- فقهی زاده، عبدالهادی، «توقیف یا اجتهاد در ترتیب سور»، صحیفه مبین، پاییز ۱۳۷۳، ش ۲، ص ۲۱-۲۵.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- کمالی دزفولی، سید علی، شناخت قرآن، قم: اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
- لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
- محدث خراسانی، علی، خورشید تابان در علم قرآن، مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۲ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مسعودی، عبدالهادی و صفایی، محسن، «مبانی تفسیری شیخ مفید»، تفسیر اهل بیت، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ش ۲، ص ۵۲-۷۸.
- معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، تهران: نبا، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه التمهید، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق-الف.
- مفید، محمد بن محمد، المسائل السرویه، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق-ب.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق-ج.
- میرمحمدی زرنندی، سید ابوالفضل، تاریخ و علوم قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۷ش.
- نکونام، جعفر، «بررسی جدیدترین نظریه در ترتیب نزول آیات»، پژوهشهای فلسفی - کلامی، پاییز ۷۸، ش ۱، ص ۲۰-۳۵.
- نکونام، جعفر، پژوهشی در مصحف امام علی، رشت: کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- نوری، حسین بن محمد تقی، فصل الخطاب، بی جا، بی نا، ۱۲۹۸ق.